

# فلسطین؛ مسئله محوری اعراب، مسلمانان و آزادگان جهان

## چگونه فلسطین به مسئله‌ای جهانی تبدیل شد؟



خلیل حمدان

عضو هیئت رئیسه جنبش امل، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و دکترای تاریخ

۲. در سوریه و در حالی که ارتش این کشور با مشکلات داخلی و کودتاهاى تمام‌ناشدنی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، زبانه آتش اختلافات بین سیاست‌مداران و ارتش در حال شعله‌ور شدن بود، امری که باعث تضعیف رژیم سوریه و غفلتش از توجه به تحولات سرزمین‌های فلسطینی شد. نقطه عطف زمانی رخ داد که رئیس‌جمهور حافظ اسد در سال ۱۹۷۱ به قدرت رسید.

۳. در لبنان بشارة الخوری - اولین رئیس‌جمهور این کشور بعد از استقلال - با حمایت انگلیس و سفیر وقت این کشور، یعنی ادوارد اسپرز، به قدرت رسیده و به ائتلافش با ریاض الصلح وفادار نمانده بود و وزارت‌ها و دولت‌ها بودند که تشکیل می‌شدند و از پی هم می‌آمدند. علاوه بر آن، رئیس‌جمهور الخوری سرگرم تمدید دوره ریاست‌جمهوری‌اش شده بود، آن هم در سیستم غرق در فساد که طبقه تجار و اربابان فتودال و منافع خصوصی بر آن مستولی شده بود.

۴. در اردن وقتی ملک عبدالله در جست‌وجوی وارثی برای تاج‌وتختش بود، فرمانده ارتشش افسری انگلیسی بود که در درجه اول در راستای منافع کشور خود و برنامه‌های آن کار می‌کرد. ۵. در حجاز ملک عبدالعزیز بن سعود پس از بیرون راندن شریف حسین و پسرش علی از مکه به دنبال اتحاد ارکان حکومت خود بود.

در برابر تمامی این چالش‌ها اعراب در جنگ نخست‌شان علیه دشمن اسرائیلی شکست خوردند و با آتش بس ۱۹۴۹ موافقت کردند، آتش‌بسی که به اسرائیل در حال رشد کمک کرد پشتیبانی خود از گروه‌های مسلحش را با سلاح و نیروی انسانی تجدید کند تا ضمن موضع‌گیری موقت در مرزهای ۱۹۴۸ خود را برای مشارکت در تجاوز سه‌جانبه به کانال سوئز در مصر، همراه با ارتش‌های انگلیس و فرانسه، در سال ۱۹۵۶ آماده کند، جنگی که در تاریخ به نبرد سوئز معروف شد.<sup>۲</sup>

اما علی‌رغم موفقیت مصر در ایستادگی در برابر تجاوز سه‌جانبه و همچنین ایجاد وحدت بین این کشور و سوریه، این اتحاد دیری نپایید و به خاطر درگیری افسران مصری و سوری و ظهور حزب بعث در سوریه از هم گسست. حزب بعث سوریه بعد از اتحاد با مصر خود را نهادی منحل شده می‌دانست که به حکم رهبران مصری برچیده شده بود، کشور سوریه را نیز تحت امر مجموعه‌ای از افسران مصری یافته بود که ریاستشان با عبدالحکیم عامر بود.<sup>۳</sup> در طرف دیگر جبهه و در مقابل این تشتت داخلی، اسرائیل در حال بسیج گروه‌های مسلح خود و ساختن رژیمی مسلح و حکومتی قدرتمند و متحد بود، رژیمی که در سال ۱۹۶۷ با مصر

+  
مقدمه

در این میان که جهان اسلام و کشورهای عربی به اختلافات و درگیری‌ها و تضادهایشان سرگرم هستند، دهه‌هاست قدس در معرض توطئه‌های صهیونیستی کینه‌ورزانه‌ای به سر می‌برد که به دنبال ایجاد تغییرات و تحمیل قیمومت و هژمونی پایدار اسرائیل بر فلسطین است تا دیوار نژادپرستانه اسرائیل بنا شود و در سایه تغییر و حشمتانک نه تنها فلسطینیان که تمامی عواملی که امت را از خواب رخوت بیدار می‌کنند محاصره کردند و از عاملیت بازمانند. همه این‌ها با همراهی توطئه بین‌المللی قدرتمندی است که از این نژادپرستی پشتیبانی می‌نماید و اتفاقات و حوادث را طبق منافع و اهداف طولانی مدت آن محور بین‌المللی و بدون لحاظ کردن تمامی جوانب آن اتفاقات رقم می‌زند، منافی که هدفشان چیزی جز استعمار نیست، حتی اگر با شیوه‌های جدیدی دنبال شوند که مشخصه دوران جهانی شدن است.

+  
عوامل ضعف داخلی

در برابر نیروی مقاومت عربی و اسلامی که از ایمان واقعی و قدرت روبرویی با اشغالگری سرشته شده است، در مواجهه با برنامه‌های بزرگ تفرقه افکنانه و قدرت جوامع یهودی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات بین‌المللی و در مقابل از هم گسیختگی کشورهای عربی، باور عمیق ما به قدس، به عنوان قبه اول و سومین حرم الهی، جوهره اصلی این پایداری است و بصیرت آن این باور است که بنابه گفته امام موسی صدر - این ارض مقدس جز توسط مؤمنین آزاد نمی‌گردد.

یورش‌های کینه‌ورزانه‌ای که امروز در داخل فلسطین رخ می‌دهد بخشی از درگیری درازدانی است که از دهه‌ها پیش آغاز شده است:

۱. از زمان تأسیس رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸ که ضعف جهان عرب پس از پایان حکومت عثمانی و از بین رفتن قیمومت فرانسه و انگلیس بر آن سرزمین‌ها هنوز بهبود نیافته بود. از همین رو، در شرایطی که نظام‌های عربی هنوز جوان و ضعیف بودند، رژیم اشغالگر پدید آمد. برای مثال، می‌بینیم که در مصر آن زمان اختلافات فراوان و متنوعی بین ملک فاروق و نخست‌وزیر وقت او، یعنی مصطفی نحاس پاشا، وجود داشت و دولت‌هایی ضعیف در میانه ناآرامی‌ها و هرج و مرج‌هایی که مهم‌ترین شان آتش‌سوزی قاهره در ژانویه ۱۹۵۲ بود از پی هم می‌آمدند.



علی غبیشاوی

مترجم

